

سمینار رابطه جنبش زنان و جنبش کارگری

جمعه چهارم دی ماه ۱۳۹۴

کانون مدافعان حقوق کارگر - این سمینار با حضور تعدادی از فعالان جنبش کارگری و جنبش زنان برگزار شد. از جمله دلایل برگزاری این سمینار می‌توان به این اشاره کرد که از یک سو در جهانی پر از خشونت و تبعیض زندگی می‌کنیم که محصول ناگزیر نظام حاکم بر جهان است و از سوی دیگر فاصله و شکافی بین این دو جنبش وجود دارد. دو جنبشی که به گونه‌ای اساسی بیشترین تلاش را برای تغییر این نظام سودمحور انجام می‌دهند.

امروز در جهانی زندگی می‌کنیم که نظام سرمایه‌داری به همه بخش‌های زندگی انسان‌ها تعرض کرده است. همه چیز را به کالا تبدیل کرده تا از آن سود ببرد. در این نظام زنان هم به مثابه کالاهایی هستند که سود سرشاری را نصیب سرمایه‌داران می‌کنند. سرمایه‌داری مدام در تلاش است تا از راه‌های گوناگون این سودآوری را بیشتر و بیشتر کند: با در خانه نگه داشتن زنان برای بازتولید رایگان نیروی کار، با در خدمت گرفتن آنان به عنوان نیروی کار با دستمزدهای بسیار اندک یا به مثابه کالایی با سودآوری بسیار بالا در صنعت سکس و...

در دنیای امروز، خشونت و بردگی و فرودستی در اشکال مختلف بر زنان تحمیل شده است. جنگ در منطقه خاور میانه شرایط را برای زنان این منطقه بسیار دشوارتر کرده است. در شرایطی که امنیتی برای هیچ کس (مرد، زن و کودک و پیر و جوان) وجود ندارد، آنان که فرودست ترند و در ساختار قدرت‌مدار و مردسالار و سودمحور نئولیبرالی از کمترین قدرت برخوردارند، بیشترین صدمات را متحمل می‌شوند. در این منطقه از جهان، بسیاری از زنان از حقوقی که زنان در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری برخوردارند نیز بی‌بهره‌اند. یا به صورت برده جنسی خرید و فروش می‌شوند و یا به صورت کالائی در دستان نظام سرمایه‌داری برای سودآوری سرمایه‌ها هستند، مورد انواع و اقسام خشونت‌ها قرار می‌گیرند، از حداقل امکانات بهداشتی، آموزشی بی‌بهره‌اند و... در چنین شرائطی زنان به شیوه‌های متفاوت علیه این روابط غیرانسانی دست به مقاومت و مقابله می‌زنند. در کوبانی و مناطق دیگر برخی از زنان و دختران ترجیح داده‌اند که سلاح به دست گرفته و از زندگی و شرافت خود دفاع کنند، چرا که دریافته‌اند خود باید علیه این خشونت بی‌حد و اندازه اقدامی انجام دهند.

روشن است که در مقابل این همه نابرابری و تبعیض و ستم و استثمار موجود تنها راه موجود مقاومت، مقابله و تلاش برای تغییر است. این نظام باید در همه زمینه‌ها مورد تعرض قرار گیرد. این وظیفه‌ای است که جنبش‌های اجتماعی به عهده دارند. جنبش‌هایی که نه فقط با مظاهر این نابرابری‌ها و ستم‌ها مبارزه می‌کنند بلکه خواستار تغییر ریشه‌ای و بنیادی آن هستند.

جنبش کارگری و جنبش زنان از جمله جنبش‌هایی هستند که با سابقه‌ی طولانی در مبارزه با ستم و استثمار موجود همواره پویا و در تلاش بوده‌اند. اما متأسفانه با آن که هدف نهایی هر دو رفع ستم و نابرابری‌های موجود و دست یافتن به عدالت اجتماعی و جنسیتی است اما از هم دورند. فاصله و شکافی بین آنها وجود دارد. چرایش را باید بررسی کرد و در این روند به چگونگی رفع این شکاف و فاصله اقدام کرد.

جنبش‌های اجتماعی، از جنبش زنان و کارگری گرفته تا سایر جنبش‌ها مانند جنبش محیط زیست، معلمان، دانشجویان و... برای رسیدن به اهدافشان باید از جوانب مختلف این نظام را مورد تعرض قرار دهند. این نیست که کارگران فکر کنند اگر مساله دستمزد و معیشت آنان حل شود مساله حل است و یا اینکه اگر از نظر قانونی و فرهنگی تغییراتی در شرایط زندگی زنان بوجود آید مساله حل خواهد شد. بنیان این نظام استثمار است. استثمار که از هر نابرابری طبیعی سود می‌برد، باید از بین رود.

حل تضاد طبقاتی مساله‌ای بنیادی است اما به دلیل این که در این نظام سود محور و مردسالار زنان ستم دوگانه و چندگانه‌ای را تحمل می‌کنند، نیاز است به این ستم ویژه بر زنان توجه شود. بخشی از دوستان کارگر فکر می‌کنند اگر طبقه کارگر در قدرت سیاسی قرار بگیرد و ستم و استثمار محو شود مساله زنان به خودی خود حل می‌شود و نیازی به جنبش مستقل زنان وجود ندارد. از سوی دیگر برخی گرایش‌ها در جنبش زنان هم تنها به رفع مظاهر فرهنگی و اجتماعی نابرابری میان زنان و مردان توجه دارند...

حرف در این زمینه بسیار است. سمینارهایی این گونه، گامی هستند در این جهت تا دیدگاه‌ها و نظرات مختلف طرح شود و تلاشی است در راستای درک این دو جنبش اجتماعی بزرگ از یکدیگر؛ امری که برای نزدیکی آنها ضروری است. در این راستا باید برای پرسش‌های بسیاری پاسخ پیدا کرد:

نقاط مشترک جنبش زنان و جنبش کارگری چیست؟

ارتباط جنبش کارگری و زنان چگونه می‌تواند باشد؟

آیا اساساً جنبش مستقل زنان ضروری است و یا این که مسایل زنان در زیرمجموعه جنبش کارگری حل خواهد شد؟

چشم انداز جنبش زنان را چگونه تعریف می‌کنیم: رهایی از قید و بندهای ستم و استثمار نظام حاکم یا برابری جنسیتی در حوزه‌هایی مانند انتخابات، اشتغال و...؟

ریشه ستم بر زنان مسایل فرهنگی است یا سیاسی؟ این ستم بنیان‌های اقتصادی دارد یا فقط مساله‌ای اجتماعی است؟ و آیا اساساً می‌توان مسایل زنان در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را از هم جدا فرض کرد؟

دلایل فرودستی زنان را چگونه تبیین می‌کنیم؟

آیا صرفاً شرکت و حضور زنان و نقش برابر در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی در امور جامعه به معنای رهایی آنان است؟

آیا به مردسالاری فقط در حوزه خصوصی و شخصی و خانوادگی باید پرداخته شود و با آن مبارزه کرد و یا مردسالاری در حوزه عمومی و دولتی هم باید مد نظر قرار گیرد؟

...

و این که در نهایت چاره چیست؟

مباحث و گفت و گوهای این سمینار به تدریج منتشر خواهد شد.